دیدار اعضای شورای مرکزی خانه احزاب با رئیس جمهور

سیاست‌های تفرقه‌افکنانه دشمن و نمادی از مردم‌سالاری نظام جمهوری اسلامی و گسترش اعتماد عمومی و افزایش انسجام ملی و آرام‌سازی فضای کشور خواهد شد.» البته بحث درخواست از رئیس جمهور برای پیگیری عفوعمومی از سوی رهبری را پیش از این، برخی چهره‌های سیاسی نیز مطرح کرده بودند؛ مثلاً حسین علایی، استاد دانشگاه تهران که از فرماندهان سابق سپاه است، در جلسه «همبستگی اجتماعی و دفاع ملی» در موسسه کار و تامین اجتماعی گفت: «امروز ما به رئیس جمهور پیشنهاد می‌دهیم که رسماً در نامه‌ای از رهبر انقلاب بخواهند که کلیه نیروهایی که در این جنگ علیه اسرائیل موضع گرفته و به نفع ایران موضع گرفتند را در زندان یا در خارج از کشور در یک نامه عفو عمومی به آغوش کشور برگردانند.» یا مثلاً غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده ادوار مجلس در گفت‌وگو با اعتماد گفت: «معتقدم باید فرمان آشتی ملی و عفو عمومی صادر شود و با برگزاری یک انتخابات رقابتی دیگر اجازه نداد، نمایندگان اقلیت ساختارهای مهم کشور را به دست بگیرند.» و در همین بازه زمانی آیت‌الله مسعودی‌خمینی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در گفت‌وگویی با جماران با اشاره به اینکه «قرآن کریم که «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» را مطرح می‌کند، می‌فرماید تمام بغض شما باید نسبت به دشمنان اسلام باشد، ولی بین خودتان با مهربانی برخورد کنید.» چنین درخواستی را از رهبری مطرح کرد: «به نظر من، ۹۹ درصد از ایرانیان انسان‌هایی هستند که حرف حساب را قبول می‌کنند. این بنده ضعیف از مقام معظم رهبری تقاضای عاجزانه داشته و دارم که اکنون زمان آن است که ایشان لطف کنند و یک عفو عمومی اعلام بفرمایند... خدا هست، خدا هست و خدا هست. خدا دروغ نیست. ما باید کاری بکنیم که خدا از ما راضی باشد. خدا نیز راضی است به اینکه شما به قرآنش، به روایاتش، به پیغمبرش و به امامش عمل کنید و لذا از مقام معظم رهبری تقاضا دارم که عفو عمومی را اعلام بفرمایند و نتایج آن نیز ان‌شاءالله خوب خواهد بود و نتیجه خواهیم گرفت.» اما تاکنون واکنش به آن یا نتیجه آن را شاهد نبودیم البته که برخی تشکل‌های اصولگرا در همین میان به این درخواست آزادی و عفو واکنش نشان داده‌اند و به جای آن که در مسیر همبستگی قرار گیرند در برابر این خواسته قد علم کرده‌اند. مثلاً حزب تمدن نوین اسلامی که از چهره‌های شاخص آن یاسر جبرائیلی، از اصولگرایان تندرو نزدیک به دولت سیزدهم طی بیانیه‌ای در مخالفت با درخواست خانه احزاب ایران برای عفو محکومان امنیتی تصریح کرد: «سازوکار عفو در نظام جمهوری اسلامی، در چارچوب اختیارات حکیمانه‌ی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و از طریق سازوکار دقیق قضایی و اطلاعاتی اعمال می‌شود. ورود احزاب به این حوزه نه‌تنها نوعی مصادره سیاسی یک اختیار ولایی است، بلکه موجب تضعیف جایگاه قضایی و امنیتی کشور می‌گردد. پیشنهادهای کلی و رسانه‌ای در باب عفو زندانیان، خصوصاً در میانه بحران، فرایند حقوقی نظام را مخدوش می‌کند و شائبه تبعیض یا معامله سیاسی را در افکار عمومی تقویت می‌نماید.» اگرچه نظر اغلب تحلیلگران سیاسی نگران آینده ایران، امیدوار به فرصتی برای بهبود وضعیت کشور و عبور از گردنه‌های سخت پیش روی ایران، این است که یکی از راه‌های کاهش فاصله حکومت و مردم، آزادی زندانیان سیاسی است. راهی که مرهمی برای کهنه زخم‌های جامعه و التیام آن در مسیر افزایش اتحاد و انسجام ملی است اما واکنش‌ها به همین نامه کمالی که به عنوان رئیس خانه احزاب به رئیس جمهوری و درخواست عفو مطرح شده است، نشان از آن دارد که برخی تشکل‌های سیاسی همچنان خواهان جذب حداقلی و دفع حداکثری هستند و نگاه‌شان به آینده چندان دغدغه حفظ انسجام و همبستگی را ندارد. درباره نامه رئیس خانه احزاب به رئیس جمهوری و درخواست عفو مطرح‌شده با چهار چهره سیاسی از جمله، حسین کمالی، رئیس خانه احزاب، حسین کنعانی‌مقدم، چهره اصولگرا و دبیرکل حزب سبز، حسین نورانی‌نژاد، عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت و امیر خرم، عضو سابق دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه می‌آید.

۲ برخی چهره‌ها مانند سردار علایی یک گام فراتر را مطرح کرده و هم خواهان عفو عمومی زندانیان سیاسی و هم خواهان عفو عمومی اپوزیسیون خارج از کشور که در این روزها کنار مردم ایران ایستادند و حمله اسرائیل را محکوم کردند شده تا به نوعی فرصت بازگشت به آغوش وطن برای آنها ایجاد شود. در صورت چنین تصمیمی آثار آن را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

حسین کمالی: پیش‌بینی می‌کنم که شرایط بهتر شود و اثر مفیدی نیز بر جامعه بگذارد، از این نظر که بتوانیم توانمندی‌هایی که داریم را دور همدیگر جمع کنیم.

امیر خرم: اپوزیسیون ما در خارج از کشور یکپارچه نیست. نیروهایی داریم که بسیار ملی نگاه می‌کنند و دلسوز مملکت هستند؛ منتهی در یک زمان و شرایطی مجبور به مهاجرت از مملکت شده‌اند. ما حساب این دسته از افراد را باید از آنهایی که جیره‌خوار اسرائیل و آمریکا هستند و پروژه براندازی را دنبال می‌کنند، جدا کنیم. زمانی که ما همه آنها را در قالب اپوزیسیون خارج از کشور تعریف کنیم، به نفع ما نیست که همه را یک کاسه کنیم و یک نوع برخورد با همه داشته باشیم. سیستم باید این عقلانیت را به خرج دهد و این هنر را داشته باشد که بتواند این تفکیک را انجام دهد. یکی از گام‌های بعدی وفاق اجتماعی، قاعدتاً این است که باید بین نیروهای اپوزیسیون تفکیک قائل شد و ما با این کار، عملاً می‌توانیم، نیروهای طرفدار نظام سیاسی و بقای مملکت را در خارج از کشور تقویت کنیم. منتهی این موضوع گام اول نیست و در گام‌های بعدی پروژه‌ای است که در قسمت اول به آن اشاره کردم.

حسین نورانی‌نژاد: مسئله ایرانیان خارج کشور که به نوعی حالت تبعیدی دارند هم مانند زندانیان سیاسی است. یک جایی باید این مسائل را حل کرد. موضع آقای پزشکیان مبنی بر وفاق هم باید در این جاها خودش را نشان دهد و تمرکز اصلی آن بر کاهش شکاف با اصولگرایان و بخش‌های مختلف حاکمیت محدود نماند. ایرانیان خارج از کشور به واسطه تجارب زیست متنوع در کشورهای مختلف و نفوذی که بعضاً در دنیا یافته‌اند، یک ظرفیت بسیار بزرگ برای منافع ملی کشور هستند. این ظرفیت را در رفت و آمد آزاد آنها به کشور بهتر می‌توان فعال کرد. البته در این‌باره به طور موردی گشایش‌هایی دیده می‌شود که نویدبخش است. شرایط بهتر از سال‌های پیش است که به عنوان مثال برخوردی بود که با من و برخی دوستان دیگر در پی بازگشت به وطن شد. به صراحت گفته می‌شد که چرا برگشتیم!؟ می‌گفتند ما بازگشته‌ایم تا راه برای بقیه باز شود. انگار نباید به وطن خود برمی‌گشتیم. اما بعداً دیدند که جمعیت بزرگ ناراضیان خارج از کشور، برخلاف گذشته که موجب سوختن و بی‌اثری محض مخالفان می‌شد، می‌تواند یک خطر ضدامنیتی شود و در واقع این کار یک هدیه بزرگ به دستگاه‌های جاسوسی و دولت‌ها و سازمان‌های ضدایرانی است. آن تصور امنیتی مانند خیلی از تصورات دیگر آقایان در طول زمان رد شد. امیدوارم نشانه‌های مثبت اخیر گسترش یابند و این مسئله حل شود.

حسین کنعانی‌مقدم: احزاب و تشکل‌های سیاسی هر کدام به تنهایی می‌توانند مواضع خاصی را در چنین مواردی داشته باشند و آن مواضع را هم اعلام کنند. اشکال و ایرادی که تشکل‌های اصولگرایی به این مواضع داشتند، این بود که عنوان اینکه سه جریان اصلاح‌طلب، اصولگرا و مستقل موافق این بیانیه بودند، ایراد قانونی و شکلی وارد دانستند. اما به هر حال همه احزاب و شخصیت‌ها در مسیر وفاق و همدلی و کاهش تنش‌های سیاسی اگر اقدامی انجام دهند و درخواستی داشته باشند، باید مورد استقبال همه قرار گیرد چراکه برای کاهش تنش‌های سیاسی در کشور، در همین جنگ دوازده‌روزه کمک بسیار زیادی کرد مبنی بر اینکه بسیاری از احزاب و تشکل‌ها موضع‌گیری کردند و در راستای وحدت و همدلی در مقابل آمریکا و اسرائیل ایستادند. این اقدام بسیار پسندیده و خوبی است و ما از رفتار احزاب در این خصوص حمایت می‌کنیم و حزب سبز هم در این خصوص بیانیه‌های متعددی را داده است. اما مواضع رسمی خانه احزاب توسط رئیس خانه احزاب باید گرفته شود.

۳ به نظر شما با توجه به اینکه در اوج شکل‌گیری اتحاد ملی در پی حمله اسرائیل به ایران هستیم و از همان ابتدای کار آزادی زندانیان سیاسی برای حفظ همبستگی و تقویت آن مطرح شد، چه عواملی برای به نتیجه رسیدن آن و تحقق این خواسته موثر خواهد بود؟

حسین کمالی: این خواسته تقریباً دارد به یک خواسته عمومی تبدیل می‌شود. برخی بر این باورند باید سخت‌گیری‌هایی که در گذشته و شاید در مقاطعی بنابر نظراتی ضرورت داشته امروز پشت سر بگذاریم و همه برای دفاع از کشور در کنار هم قرار بگیرند.

امیر خرم: نظام ما، متاسفانه در طول چند دهه گذشته نشان داده که هنر ویژه‌ای در فرصت‌سوزی دارد و این فرصت‌سوزی، نهایتاً به اینجا رسیده است. در جریان جنگ اخیر، مردم ما خوشبختانه این تشخیص را دادند که اسرائیلی‌ها به‌دنبال دموکراسی در کشور ما نیستند. باید توجه کرد که بین سقوط نظام سیاسی و دموکراسی تفاوت است، نه لزوماً هر سقوط نظام سیاسی به دموکراسی منجر می‌شود؛ نه لزوماً هر برقراری دموکراسی، لازمه‌اش سقوط نظام سیاسی است. در کلان قضیه اگر نگاه کنیم، اسرائیل به‌دنبال سقوط نظام سیاسی در ایران است. می‌خواهم این را بگویم، برای هر کسی که مسئولانه نسبت به سرنوشت ملت و مملکت خودش فکر می‌کند، برقراری دموکراسی اولویت دارد. مردم ما در این جنگ ۱۲ روزه، پی بردند که بمب‌های اسرائیل، دموکراسی نخواهد آورد. آنها به‌دنبال یک ایران ضعیف‌شده هستند، آنها چشم طمع به خاک ما دوخته‌اند، مشکل آنها با ایران بزرگ و مقتدر است. مردم ما این را تشخیص داده‌اند و همین تشخیص، منجر به این شد که آنها در یک همبستگی ملی، اختلافات خودشان را با حکومت کنار بگذارند و کنش‌گران بسیاری اعلام کنند که در عین حال که با حاکمیت مشکل دارند و این مشکلات همچنان وجود دارد، اما الان شرایط به شکلی است که بحث، تمامیت ارضی و مقابله با دولت مهاجمی است که هیچ اصول بین‌المللی را رعایت نکرده است. اگر حکومت ما بخواهد عقلانیت به خرج دهد، باید از این فرصت تاریخی استفاده کند. اگر این فرصت‌سوزی‌ها ادامه پیدا کند، عاقبت خوبی نخواهد داشت. من از سال‌ها قبل این مثال را زده‌ام که دیپلماسی مثل یک قیف است که در بالاترین قسمت آن، بیشترین قدرت مانور را دارید اما هر قدر که زمان بگذرد و شما پایین بیایید، این قوس کم می‌شود؛ یعنی قدرت مانور شما کم می‌شود تا به لوله قیف برسید. آنجا دیگر قدرت مانور ندارید و چیزی که به شما تحمیل می‌شود را باید بپذیرید. ما هم باید بدانیم که الان به آن لوله قیف نزدیک شده‌ایم. اما من می‌خواهم این تهدید را به عنوان یک فرصت نگاه کنم. تهدید حمله یک رژیم خارجی متجاوز را باید تبدیل به فرصت کرد، این فرصت، فرصت همدلی و همبستگی است که حکومت می‌تواند از این فرصت، برای تقویت قدرت اجتماعی خودش، به عنوان یک قدرت بازدارنده استفاده کند. مردم ما گام اول را برداشتند، الان نوبت حاکمیت است که نشان دهد که من پیام شما را فهمیدم و الان باید اولین قدم را بردارم که یکی از این قدم‌ها، آزادی زندانیان سیاسی است؛ آن وقت است که این همبستگی ملی اتفاق نخواهد بود، یک روند خواهد بود.

حسین نورانی‌نژاد:
ایرانیان خارج از کشور به واسطه تجارب زیست متنوع در کشورهای مختلف و نفوذی که بعضاً در دنیا یافته‌اند، یک ظرفیت بسیار بزرگ برای منافع ملی کشور هستند. این ظرفیت را در رفت و آمد آزاد آنها به کشور بهتر می‌توان فعال کرد

حسین نورانی‌نژاد: مسئله اصلی کشور تندروهای سوپرانقلابی هستند. منشأ اصلی شکل‌گیری و تقویت تندروی در سمت دیگر به نام براندازان یا مخالفان رادیکال هم تندروی این اقلیت تندرو در حاکمیت و یا جریان مدعی وفاداری به حاکمیت بود که برخی از دست آنها خسته شدند و بریدند. آنهایی که به‌زعم خود نیروهای اصلی نظام هستند و حفظ رضایت و وفاداری آنها برای حفظ کشور و نظام کافی دانسته شد. چوپرده‌دار به شمشیر می‌زند همه را/ کسی مقیم حریم حرم نخواهد ماند. یک وضعیت تبعیض‌آمیز و آزاردهنده‌ای شکل گرفت که بسیاری را تاراند و برخی را هم به سمت دیگر بام افراطی‌گری سوق داد. نظام درباره نسبت خود با این اقلیت تندرو لازم است بازنگری کند. آنها امنیت و دوام و بقا نمی‌آورند. اساساً اگر تندروی آنها نبود، خیلی از بحران‌ها پیش نمی‌آمد تا بعد به این تندروها برای جمع کردن بحران دل ببندند. منشأ بحران را حل کردن بهتر است. به قول سعدی، سرچشمه شاید گرفتن به بیل / چو پر شد نشاید گذشتن به پیل. باید به نحوی این تندروها را مدیریت کرد تا اجازه تحول در کشور و کم کردن شکاف‌ها محقق شود. یقین بدانید این شکاف‌ها بیش از مسائل لجستیکی و توازن قوای نظامی به دشمنان بیرونی اجازه گستاخی به کشور داده است.

حسین کنعانی‌مقدم: ما به عنوان حزب سبز تفکیک قائل شدیم، مازندانیان سیاسی داریم که آنها براساس قانون جرم سیاسی محکومیت دارند و درخواست عفو و بخشودگی را از طریق رئیس قوه قضائیه به رهبری می‌توانند بدهند و با توجه به اینکه بعضی از این افراد در جنگ دوازده روزه بیانیه دادند و مواضع بسیار خوبی را نسبت به شرایط کشور گرفتند، این اقدام می‌شود شامل عفو و بخشودگی رهبری که از قبل نیز اینجور موارد وجود داشته است. اما در رابطه با مجرمان سیاسی، کسانی که محاربه کردند و یا معاند هستند، به نظر نباید به‌دنبال عفو و بخشودگی باشیم چراکه ضربه‌هایی که این افراد به نظام زدند غیرقابل جبران است.

سیاستمداران

سخت نیازمند چنین نیک‌مردان کاردانی هستیم

عبدالکریم سروش، در آستانه دهمین سالگرد بازداشت سیدمصطفی تاج‌زاده در پیامی نوشت: «مناظره‌ها و مصاحبه‌های مصطفی تاج‌زاده از درخشان‌ترین جلوه‌گاه‌های خرد پخته سیاسی اوست و من از آنها بهره بسیار برده‌ام و می‌برم. این خرد پخته سیاسی اینک در میزان عمل و علم او را به جایی رسانده است که الحق می‌تواند یکی از امیدهای روشن و از وزنه‌های سنگین سیاست آینده به حساب آید.» در ادامه این پیام آمده است: «من حقیر از عمق دل شرف و شجاعت او را می‌ستایم و آرزو می‌کنم که هرچه زودتر در صحنه سیاسی کشور همراه با دیگر عاقلان و نیک‌خواهان ظاهر گردد و صحنه‌گردان و سیاستگزار موثری باشد، و قدر یابد و بر صدر بنشیند و دست تصرّف از آستین خرد بدر آورد و گره‌گشایی کند. ما امروز سخت نیازمند چنین نیک‌مردان کاردانی هستیم.»

کشور را به مسیر گفت‌وگو و مصالحه ملی بازگردانید

انجمن مهندسان ایران در نامه‌ای سرگشاده خطاب به مسعود پزشکیان، بسته‌ای از پیشنهادهای راهبردی را از جمله؛ در اولویت قرار دادن راه‌حل‌های دیپلماتیک، اعلام علنی پایبندی ایران به معاهده NPT، تشکیل شورای گفت‌وگوی ملی، تامین معیشت طبقات آسیب‌پذیر و حفظ ارزش پول ملی، مقابله با روند امنیتی‌سازی جامعه و تلاش برای توافق موثر با جامعه جهانی ارائه کرده و از رئیس جمهور خواسته که با بهره‌گیری از اختیارات قانونی، نهادهای تصمیم‌گیر کشور را به مسیر گفت‌وگو و مصالحه ملی بازگرداند.

ادامه سرمقاله

اول اینکه، تندروهای مخاطب وفاق مطلقاً به این شعار تن ندادند و نمی‌دهند، چون درست یا نادرست خود را بازنده آن می‌دانند. دومین مشکل این بود که فرصت زیادی برای به نتیجه رسیدن این شعار نبود. هر روز مسئله‌ای درست می‌شد که مردم را نسبت به آینده ناامیدتر می‌کرد. ترکیب دو واقعیت کمبود زمان و تن ندادن تندروها به شعار وفاق، موجب منتفی شدن انجام اصلاحات و در نتیجه عدم تحقق نیازها و مطالبات مردم شد. بدتر اینکه تراکم بحران‌ها که از روز مراسم تحلیف با ترور هنیه آغاز شد، سلسله‌وار تا تجاوز نظامی اخیر ادامه یافته است. راه حل این بحران در گرو تدوین یک برنامه جامع که محصول نگاه کارشناسان و نخبگان باشد، در دو حوزه داخلی و خارجی و با جلب نظر و موافقت مقام رهبری بود و هم‌چنان هم همین راه در دسترس است. بدون چنین برنامه‌ای هر گونه اقدامات جزیی و موردی، آب در هاون کوبیدن است. هیچ اقدام اساسی بدون تحول در این دو حوزه معنادار و اثرگذار نخواهد بود. راه‌حل در انجام شعارها و وعده‌های آقای پزشکیان است. ایشان به‌صراحت گفت، باید کاری کرد تا آنانی که از انتخابات قهر کرده بودند به میدان برگردند. این، یعنی بازگشت به مردم، وفاق را باید به این گروه نیز تعمیم داد. درحالی‌که پروژه وفاق هنوز اندر خم وفاق با تندروها مانده است. ایشان بارها گفتند که فصل الخطاب امور، ارجاع به نظر کارشناسان و مدیران شایسته است. متأسفانه هیچ اقدامی درباره مصوبه‌ای که ضد این شعار بود، نشد و هنوز هم در بر همان پاشنه می‌چرخد و ناکارآمدی و فساد محصول این گونه مصوبات ایجادکننده رانت مدیریتی است. آقای پزشکیان در حوزه خارجی مواضع روشنی داشت و بارها هم آنها را اعلام کرد؛ اما دریغ از اقدامی موثر. در حوزه رسانه ناترازی کشور به جایی رسید که امنیت کشور را در عمل زایل کرد و هیچ اقدامی نشد. حتماً آن جمله پیرمرد طبسی به وزیر وقت کشاورزی را به یاد دارید که گفت: «خودتان می‌دانید و مملکت‌تان». این جمله از بدترین شعارها هم تندتر است. یعنی روزی خواهد رسید که مردم مملکت را مال خود ندانند. بنابراین، کاری نکنیم که دیگران و نخبگان نیز به چنین مرحله‌ای برسند. متأسفانه اکنون همه در انفعال هستیم. نمی‌دانیم برنامه و سیاست چیست؟ چه تصویری باید یا می‌توانیم از آینده داشته باشیم؟ راهی هم به دهی نیست. به‌طور قطع، مردم با ادامه سیاست‌هایی که منتهی به وضع کنونی شده همراهی نخواهند کرد. ولی مشکل اصلی، فقدان سیاست‌های جدید است. زمان زیادی در اختیار نداریم. به‌جای سفرهای خارجی لازم است برای رسیدن به سیاست‌های کارآمد و جدید کوشش کنیم.